

معنویت و عرفان امام حسین

و اما این که معرفت و عرفان خود امام علیه السلام تا چه حد است، امامی که خداوند در مورد او می فرماید: «یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة»^(۱) پی بردن به حقیقت عرفان حضرتش برای همچو منی که هنوز اندر خم یک کوچه ایم امکان ناپذیر است. اما آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

شناخت از طریق سخنان امام

حسین علیه السلام

یکی از مهمترین منابع برای پی بردن به معرفت ایشان دعای عرفه حضرت می باشد. امام علیه السلام در این دعای شریف شناختی عمیق را مطرح می نماید که بالاتر از شناخت عقلاء است. و در عین حال آن شناخت عقلانی را هم تأیید می فرمایند. آنجا که حضرت می گویند: «تفکر من در آثار تو، مایه دوری از دیدار توست... چگونه چیزی که خودش از نظر هستی، نیازمند توست (آثار) می تواند دلیل بر وجود تو باشد. آیا چیز دیگری می تواند پدیدارتر از خود تو باشد تا او وسیله ظهور تو گردد؟! کی نهانی تا نیازمند برهانی باشی که بر تو دلالت کند و کی دوری تا به وسیله آثار به تو رسند؟!»^(۲) و در جای دیگر می فرمایند: «تویی که انوار معرفت را در دل های دوستانات تابیدی تا تو را شناختند و یگانه دانستند.»^(۳) و باز می فرمایند: «تو هستی که خود را در هر چیزی به من شناساندی پس من تو را آشکارا در هر چیز دیدم و تو بر هر چیزی آشکاری.»^(۴) یعنی اگر اولیا تو، تو را شناختند به وسیله کمک و راهنمایی تو بود و گر نه آنها قدرت بر شناخت تو نداشتند. «خدا یا تو دستور مراجعه به آثار را به من دادی.»^(۵) تا از آثار پی به وجود تو ببرم چون خودت خواسته ای که ما از طریق آنها تو را بشناسیم و گر نه چگونه آثار می توانند و قدرت دارند که خالق خود را بشناساند؟!!!!

ما همچون ماهی دریا که به خاطر غرق بودن در آب توجه به آب نمی کند، از شدت تجلی انوار حق و غرق بودن در آن توجه به آن نداریم.^(۶)

حقیقت عرفان امام حسین علیه السلام

عرفا در کتب مختلف عرفانی مراحل را برای سیر و سلوک بیان نموده اند که شخص بعد از طی این مراحل به شناخت و معرفت خواهد رسید. اما امام حسین علیه السلام از راه دل، انسان ها را هدایت می کند. آن هم در کوتاهترین مدت که امثال حر ره صد ساله را یک شبه طی می کنند و به مقصد می رسند.





ولی آنقدر لطف و رأفت و رحمت داری که با وجود این حد از تجلی، باز ما را به وسیله آثار، متوجه می‌کنی تا هدایت یابیم. حتی قبل از این که ما از تو درخواست کنیم، تو به فکر ما هستی، قبل از این ما به یاد تو باشیم، تو به یاد ما هستی (۷) و حتی همین که من مشتاق تو هستم (۸) و تو آرزوی منی (۹) به این خاطر است که تو دیگران را از دلم بر طرف ساختی که فقط تو را بخوایم (۱۰) و من راهی برای رسیدن به آن آرزو ندارم، جز این که از خودت بخوایم. (۱۱) لذا تدبیر خودم را هم، چاره ساز نمی‌دانم. (۱۲)

آیا معرفتی نسبت به حق تعالی از این بالاتر وجود دارد؟!

شناخت از طریق عملکرد امام حسین

راهی دیگر که ما را به درجه عرفان امام حسین رهنمون می‌سازد راه عملی ایشان است. یعنی حضرتش فقط شعار نمی‌دهند و در عمل، مانند بعضی عارف نماها نیست که فقط با عزلت نشینی و یک سری سخنان زیبا بر زبان جاری ساختن، دم از خدا و دین بزنند. «کو نودعة للناس غیر الستکم» (۱۳) بلکه امام حسین برای آگاهی مردم و پا بر جا ماندن دین خدا (۱۴)، فقط هستی خود را فدا نکرد که تمام اولاد و اهل بیت و یارانش را نثار حق تعالی نمود.

که خود درباره آنان فرمود: همانا من اصحابی باوفا تر و بهتر از اصحاب خود نمی‌دانم و اهل بیتهی از اهل بیت خود نیکوتر سراغ ندارم. (۱۵) و در آن لحظاتی هم که خود به کلی توانایی از بدن مبارکش سلب شده بود و تیر در سینه‌اش نشسته بود و بی اختیار روی زمین افتاد، فرمود: «رضا بقضائک و تسلیم لامرک و لا معبود سواک یا غیاث المستغین» (۱۶) واقعا این درجه از رضایت و تسلیم برخاسته از چه عرفانی است؟!

راه امام حسین راه دل است.

این چه معرفتی است که باعث هدایت و شناخت انسان‌ها در همه زمان‌ها گردید؟! معرفت عرفا، حداکثر موجب نجات خودشان و انسان‌های هم عصرشان است و بعد از آنها موفقش فقط دستور العملی است که از ایشان باقی می‌ماند در کتاب‌ها، که تنها با خواندن آن و بدون راهنمایی مربی الهی، افراد به وسیله آن راه به جایی نخواهند برد. اما «ان الحسین مصباح الهدای و سفينة النجاة» (۱۷) یعنی پیامبر خدا فرمود: «همانا حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است». هنوز بعد از ۱۴۰۰ سال نامش و یادش و ذکر مصائبش آتش به جانها می‌زند و شور و

عشق می‌آفریند و انسان‌ها را به مقصد می‌رساند. راه امام حسین راه دل است و از راه دل و شکست و انکسار آن، انسان‌ها را هدایت می‌کند و دلی که شکست، جایگاه و تابشگاه نور حسین می‌شود. و دوستداران حسین به اندازه ظرفیت وجودیشان کمالات حسین را دارا می‌شوند و در وجودشان صفات عالی‌ه حضرتش آشکار می‌گردد.

عشق می‌آفریند و انسان‌ها را به مقصد می‌رساند. راه امام حسین راه دل است و از راه دل و شکست و انکسار آن، انسان‌ها را هدایت می‌کند و دلی که شکست، جایگاه و تابشگاه نور حسین می‌شود. و دوستداران حسین به اندازه ظرفیت وجودیشان کمالات حسین را دارا می‌شوند و در وجودشان صفات عالی‌ه حضرتش آشکار می‌گردد.

عرفان و عمل امام حسین فقط باعث نشد که هر ده صد ساله را یک شبه طی کند، بلکه هنوز هم شاگردان مکتبش را یک شبه به وصال محبوب می‌رساند. اشخاصی امثال رسول ترک‌ها (۱۸) را آدمی قلدر و لات و لابلایی که به فسق و زورگویی شهرت داشت و مأمورین کلانتری‌های تهران از برخورد جدی با او بیم و هراس داشتند، مکتب و عشق امام حسین از چنین انسانی عارفی ساخت که در عشق حق ذوب گردید و به مرحله‌ای رسید که بعد از مرگش در خواب دیدند که حضرت زینب به تشییع جنازه‌اش آمده و فرمودند: این جنازه متعلق به ماست، خودمان باید او را تشییع کنیم. (۱۹)

حضرت ابراهیم خلیل و دوست خداست و خداوند برای امتحان او دستور ذبح کردن اسماعیلش را داد ولی او از انجام این عمل معاف گردید. اما امام حسین تنها اسماعیلش بلکه تمام هست و نیستش را در راه دوست و در عالم واقع فدا نمود و قربانی کرد. و خدا هم اثر کار امام حسین و محبت ایشان را در دنیا و آخرت بزرگ گرداند. پیامبر خدا فرمود: «ان للحسین حبة مكنونة فی قلوب المؤمنین». (۲۰)

برای حسین در دل‌های مؤمنین دوستی نهفته است.

در صحرای محشر عده‌ای در جوار امام حسین

می‌گویند: ما لذت مجالست و مصاحبت با امام حسین را به شما ترجیح می‌دهیم. (۲۱) و همچنین خداوند باب الحسین را در رحمة الواسعة قرار داده. به قول شیخ شوشتری در مقدمه خصائص (۲۲) حساب که می‌کنیم می‌بینیم در طول زندگی مثل یک تاجر ور شکسته سرمایه عمر را بر باد داده‌ایم و چه رنجها بردیم. ولی در این مدت ایمان و عمل صالحی که قابل قبول حضرت حق تعالی باشد نداریم، که با خود ببریم. چرا که از آثار ایمان، توکل به خدا و خوف و رجاء فقط نسبت به پروردگار عالم و صبر و تسلیم امر خدا بودن است. آیا از این آثار بهره‌ای داریم؟! و در باب عمل هم اخلاص، شرط قبولی است. از کجا معلوم که اعمالمان خالص بوده و موانع قبولی نداشته و همچنین شرایط شیعیان واقعی علی حسین که در خطبه همام در نهج البلاغه ذکر شده در خود سراغ نداریم و شرایط زیاد است. ولی باب حسین وسیعتر است. شعبة علی شدن سخت است و خیلی رنج باید برد، اما دوستدار و عزادار حسین بودن و گریه بر او آسان است و شرط زیادی نمی‌خواهد و رقت قلب و شکستگی دل کافی است. در روایت است: که «هر گاه خداوند به عبدی اراده خیر کند مهر امام حسین را در دلش جا می‌دهد». (۲۳)

انشاءالله که اگر از هر بابی از ابواب بهشت، به خاطر کوتاهی هایمان باز بمانیم خداوند امید ما را از باب الحسین قطع نگرداند، چون این باب به قدری وسیع است که امثال همچون منی نیز که گنهگار و رو سیاه درگاه الهی هستیم، به آن طمع داریم.

الهی جز مهر حسین هر آنچه باشد به دلم خون ساز و ز راه دیده بیرون ساز

..... پی نوشت:

در دفتر مجله موجود می‌باشد.